

باید دانست ، همانگونه که برشت می‌گوید : آیا ما میخواهیم دستور زبان را صرفاً برای آنکه معانی را زیر و زیر کنیم به عکس جلوه دهیم یا که خیلی قاطعانه در عوض کردن حقیقت سهیم باشیم .

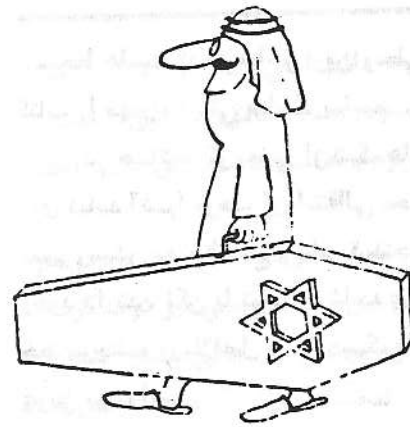
میتوانیم خود را راضی کنیم در "اینجا" به ایجاد یک سینمای انقلابی و بگذاریم که "آنجا" دیگران در محل ، انقلابشان را انجام دهند بدون آنکه در روشن کردن افکار بین المللی در جهت یک حمایت روشن و موثر ، کوشا باشند ؟  
با اینحال "اینجا و آنجا" نظرهای موافق شایان توجهی در مطبوعات فرانسه گرد آورد .

ما دوباره بعضی از مطالب برجسته را اینجا نقل می‌کنیم تا خوانندگان بتوانند عقاید خود را ابراز کنند . اما این سوال برای ما مطرح است ، آیا همبستگی که انتظار میرفت واقعاً در این فیلم وجود دارد ؟ به عبارت دیگر آیا خواننده بی که دوست می‌داشت با این مساله مواجه شود و جز روی کاغذ ، جای دیگری آنرا نمی‌یافت ، این روش را باز نساخته است ؟

گی برو کور در شماره ۵۱ روزنامه "اکران" نوشته است : مسلماً افکار سیاسی گودار را که نتوانسته مردمی تر باشد و خود را بیشتر داخل ماجرا کند سرزنش می‌کنند بخصوص او را نمی‌بخشند زیرا که می‌توانسته بجای یک فیلم رزمی ، فیلمی که سوال و تردید ایجاد می‌کند ، فیلمی تهیه کند در خدمت به مساله فلسطین ، چطور می‌شود گودار از ورای شک ها و تجدید نظرش در باره ی این مساله و تداخلی که پیش می‌آید ۱۹۷۶ را که مربوط به ماست ، مربوط به جامعه ما و نحوه ی زندگی ماست نادیده بگیرد ؟ ناهماهنگی بین نحوه ی تفکر و نحوه زیست ما ، بین اصول و عملکرد بین ایده آل و واقعیت بین بودن و زبان ابرازش . آری ما از فلسطین بدوریم ، همانطور که قبلاً هم ازویتنام بدور بودیم حتی اگر این فلسطین در زندگی روزمره ما به صورت تصاویر ، علامات ، افکار و احساسات تحمیل شده باشد . گودار جرات اقرار آن را دارد ، او که به آنجا رفته است . . .

ژان دوفلو در شماره ۲۳۹ مجله ی هفتگی سیاست نوشت :

اینجا خانواده فرانسوی تلویزیون را نگاه می‌کند . آنجا تصاویر انقلاب فلسطین را . اینجا امروز جنجال و تصویر این هیاهوی امروز ، گودار تصویری را که نگاه را از



# قسمت دوم ضد صهیونیسم درسینمای غرب

درسهایی از ۲۵ فیلم :

نوشته : گی هانوبل  
ترجمه : فهیمه خیل‌تاش

برای آنهایی که حقیقت سینما را در مبارزه های ایدئولوژیکی و سیاسی می‌دانند اگر هیجان مبنی بر عدم تامل و مسلک های فلسفی ابتدایی ( اشاره کنیم که در فیلم در اینجا و آنجا این حالت وجود دارد . آنچه که آنرا دچار آشفتگی کرده است ) که یقیناً سبب نقصان ها و عیوبی در سینمای انقلابی می‌شود ، آئین خود شیفتگی ( نارسسیک ) و هرج و مرج خاسته از فلسفه ی رفیع اصالت وجود ، نیز یک روش حیاتی و یا حتی کمتر از آن یک روش انقلابی نمی‌تواند باشد .

بهر حال جای خوشبختی است فیلمی را که گودار به سال ۱۹۶۹ در عمان تهیه کرده بود ( که در رابطه با آنچه از آن در فیلم " اینجا و آنجا " باقی مانده است از کیفیتی عالی برخوردار است ) به حقیقت نزدیکتر است که بگویم برگردانی که در زمینه ی هنری کمتر پیشرو بود ، به سازمان سینمای فلسطین تقدیم شد . هر چه بود این فیلم به خدمت جنبش مقاومت فلسطین درآمد و تنها سردمدار شجاع این ماجرا بود .

اما چرا می‌بایست " تحقیقات صریح " همیشه در فیلم هایی ابراز شود که بطور ناامید کننده ای خالی از زمینه های سیاسی است و وسیله ی سینماگرانی تهیه می‌شود که دارای افکار کمتر روشنی هستند ؟



واقعیت جدا می‌کند و معنای آنچه را که بگوش می‌رسد برمی‌گرداند و صدای مردان را می‌پوشاند، به معرض قضاوت می‌گذارد. بر روی این نقطه‌ی مشترک در زمان و فضا است، که فیلم، درس ارتباط سینمایی خود را بیان می‌کند.

اینجا فریب تصاویر و کلمات بوسیله میلیونها درچه‌ی کوچک مجذوب‌کننده منعکس شده است. آنجا خطر دروغ، خطر اشتباه، زیر رگبار مسلسل دشمن، ضمناً خطر عوام‌فریبی. آنچه که گودار می‌گوید حتی اگر آنرا با هیجان بسیار بگوید، وحشت از بوجی و تباهی را آشکار می‌کند، پس در نتیجه می‌بایست خیلی جدی گرفته شود اینجا و آنجا، همان زنگ خطر عدم آگاهی است، انقلابیون همه‌ی کشورها، اگر شما می‌دانستید...؟

در شماره ۴ مجله سینمای عرب، علی عکی کا، نوشت: "اینجا و آنجا" قبل از سپتامبر سیاه ۱۹۷۰ فیلمبرداری شده بود، دوره‌ی سرعت عمل مقاومت (کرامه)، هنوز در اذهان نبرد، تازه است، در بازگشت به پاریس صدای توپها از عمان شنیده می‌شود، رودهای خون مردانی که می‌شناسیمشان، جاری است، شاه کوچک، حسین را، با سبیلش که به علامت صلیب است نیز می‌بینیم (۰۰۰) در اختیار داشتن این دوزمان بسیار اساسی است زیرا که فیلم محصولی است که الزاماً در دوره حاضر و در اثر نابودی همین دوره به وجود آمده است فیلم با دیدی از گذشته و حال ساخته شده است و اگر این دید تحت یک آزمایش سخت در زمان مونتاز قرار گیرد، باید همه را در زباله دان افکند و یا آنکه کاری دیگر کرد، عربی که "اینجا و آنجا" را دیده است می‌گوید باید نام فیلم را عوض کرد زیرا که "اینجا" ی فیلم برای ما است و "آنجا" در اسم فیلم برای ما "اینجا است" و با آنچه گودار می‌خواهد فرق دارد. این عرب می‌گوید بهر حال می‌بایست از گودار تشکر کرد زیرا که ما را با تصاویر آنجا آشنا کرد و سبب شد تا خدعه‌ی ابراز اطلاعات در یک جامعه پلیسی برای ما آشکار شود.

۴ - ادراک دیگری از "اینجا و آنجا" داستان پرنده‌ای که برای گربه نبود. برای آنکه شکاف بین "اینجا، اروپائیان و آنجا" فلسطینی‌ها، بوسیله‌ی کلمات مشخص تری در زمینه‌ی سیاسی و حساس تر از آن در زمینه انسانی ابراز شود. کاری که ژان لوک گودار در فیلمش نکرد. فیلمی در یک برنامه تلویزیونی بلژیک که

از تلویزیون فرانسه در سال ۱۹۷۶ رد و تصدیق شده بود، با عنوان "داستان پرنده‌ای که برای گربه نبود" به نمایش درآمد. این فیلم رنگی ۸۰ دقیقه‌ای وسیله‌ی پیرمرت و ژان ژاک په شه تهیه شده بود، آنها بطریق زیر مساله را مطرح کردند.

بینچ به حد غیر قابل‌تصورى به اورشلیم نزدیک خواهد بود؟ آیا یک کارگر جوان بلژیکی که در رویای فرار و آزادی است، با یک خانم معلم فلسطینی که به شاگردانش حقیقت سخت تبعید و سرزمین از دست رفته را آموزش می‌دهد، چیزهای مشترکی دارد؟ اشتراک و نزدیکی این مسایل آنچنان که ابتدا بنظر می‌رسد راحت نیست برای آنکه حقایق از هم منفک گردند، کافیسست که برخوردی قدری شدید بین این دو دنیا پدید آید. این فیلم این برخورد و تصادم را نشان می‌دهد دو دنیایی که در نظر اول هیچگونه نقطه و هیچ جنبه مشترکی با هم ندارند در بدو داستان این دو افق به طور موازی با هم در نظر گرفته شدند جایی که مشخصات آنها را نشان می‌دهد از طرفی یک کارگر زن جوان اروپایی که در یک محیط خانوادگی بسته و خفقان آور و کارگری پرورش یافته و در یک واحد مونتاز، یک واحد خیاطی کار می‌کند که به او هیچ امکان فرار نمی‌دهد. در جهت دیگر این داستان دختران فلسطینی جوانی که می‌خواهند برای زندگی خود و برای نبردشان معنایی بیابند یک معلم U. R. N. W. A یک متصدی تلفن در ژنو، یک محقق در بروکسل، دلایل تبعید و عوامل وقفه زندگی را از خود سؤال می‌کنند. هیچ دلیلی ندارد که اینها هم راه مارتین، کارگری که در جستجوی خویشتن است، بیمایند. در اینجا کافیسست که این کارگر برای آنکه خود را از شر زندگی روزمره برهاند و آزاد سازد، در یک مسابقه زیبایی نام نویسی کند و با سایر مسابقه دهندگان مدتی را در مراکش بگذارند، برای آنکه راهها بطور غریبی با هم برخورد داشته باشند. برای او ازین بعهده هیچ چیز مثل سابق نخواهد بود. بدور از هر نوع نمایش و ظاهر سازی و کماکان در حاشیه گزارش، این تخیل سبب می‌شود که حقیقتی چند بر ملا شود که در ظاهر هیچ نوع هماهنگی در آن دیده نمی‌شود.

۵ - ارائه تاریخی "انقلاب تا پیروزی"

مجموعه‌ی آمریکائی "نیوزرل" بر مساله‌ی فلسطین و اسرائیل فیلمی میان مدت



۵۲ دقیقه‌ای را که از بهترین اسناد در این زمینه است، با نام " انقلاب تا پیروزی " تهیه کرده است.

تهیه کنندگان با تصمیم به تهیه ی خلاصه دگر دیسی مساله، ابتدا با در نظر گرفتن مساله ی یهود، آنطور که در اروپا مطرح بود و بعد ضد سامی که مسیحیان و نازی ها به آن معتقد بودند و بالاخره مراحل مختلف مقاومت فلسطینی ها در برابر صیونیستی که جایگزین اشغال کنندگان انگلیسی شده بود، پرداختند. آنها به طور مشخص، تاکید می کنند که در فیلمشان صیونیسم بهیچوجه یک جواب خوب به ضد صیونیسم سنتی ندارد. با توجه به خصوصیات یهودی بودن، حتی در برابر این عقیده که کیفیت نژاد پرستی نشان دهنده هماهنگی نازیسم و صیونیسم قبل از ۱۹۳۹ است، قدری فراتر رفتند. ممکنست از نظر سیاسی این نکته قابل تعمق باشد زیرا که باعث مشاجرات روزنامه ای بسیار شد و شاید بهتر آن بود که قبلا تحقیق می شد و دلیل تشدید عمل پیش بینی می شد. هر چه باشد " انقلاب تا پیروزی " با آنکه دارای معایب و کمبودهایی است اما یک بررسی جالب از مساله فلسطین و اسرائیل است که در همه جهات بررسی کرده است. بخصوص که خیانت دائمی برخی از رژیم های عرب را بروشنی در معرض دید قرار می دهد و درست بهمین دلیل است که فیلم بعد از جنگ لبنان هنوز هم مورد توجه است. بالاخره این فیلم مثل همه فیلم های رزمی، تحلیلی تاریخی ماده گرا، باندایی در حمایت از مقاومت فلسطین پایان می یابد.

این فیلم بدون شک می تواند در تحقق فیلم بزرگتری موثر افتد.

۶- سینمای مستقیم: " اولیویه ".

در حال حاضر فیلمی که از نظر عملکرد مبارزه علیه صیونیسم در غرب وجود دارد " اولیویه " است.

این فیلم بلند در سال ۱۹۷۵ توسط " گروه سینمایی و نسن " متشکل از علی عکی کا الجزایری و فرانسویانی با نام های: گی شاپوئی، دانیل دوپرو، سرژ لوبرون ژان ناربونی و دومنیک ویلن، تهیه شد. آنطور که در میزگردی در باره این فیلم بحث شد، هدفشان از تهیه این فیلم متقاعد ساختن تمام گروههای چپ سنتی است که در کشوری چون فرانسه ( البته در سایر کشورهای غربی همچنین ) تصور می کنند

که بدلیل تبلیغات ضد یهودی گذشته می بایست با اسرائیل هماهنگ شوند. آنها می گویند " ما ملاحظه می کنیم که ترقی خواهان موقعیت شیلی و ویتنام را درک کردند اما در بهترین حالت در باره مساله فلسطین و اسرائیل فکر می کنند که هر یک از آنها تا حدی حق دارند. " مشی آنها را می شود بشرح زیر خلاصه کرد:

" همه شما، شمایی که لااقل حسن نیت دارید گوش کنید، شما را گول زده اند به شما این تصور را داده اند که ایجاد دولت اسرائیل یک حرکت صحیح بوده، یک عمل مشروع علیه همه رنجهایی که یهودیها در اروپا متحمل شده اند - ضمنا به شما اینطور تفهیم کرده اند که فلسطین یک سرزمین بی سکنه بوده که طبیعتا می بایست به " مردم بی سرزمین " تعلق گیرد، تمام این ها اشتباه است اول آنکه فلسطین یک سرزمین مسکونی بود، و دیگر آنکه، بورژوازی اروپایی که امروز حامی صیونیسم است همانهایی هستند که دیروز در خدمت ضد سامی بودند، چون می خواستند که ملت ها را تجزیه نمایند. و به این ترتیب از آنها بهره گیری کنند ( که هم اکنون در این جهت منتهی ضد عرب و علیه کارگران مهاجر، استفاده می کنند ). صیونیسم راه حل انقلابی برای ضد سامی محسوب نمی شود. در نتیجه می بایست مقاومت فلسطین را حمایت کرد و همچنین از برنامه آنها برای ساختن یک فلسطین غیر مذهبی و آزاد پشتیبانی کرد.

این فیلم که ۸۵ دقیقه زمان دارد، قبلا ۱۱۰ دقیقه ای بود که کوتاه شده است شروع فیلم با قسمتی از یک ویدئو گرام است که وسیله گروه " ویدئو اوت " از برنامه های تلویزیون فرانسه در زمان حوادث مونیخ سال ۱۹۷۲ ضبط شده بود شاید هیچگاه به این خوبی و تا این حد وسیع نشریات اشتباه اهداف صیونیسم را برملا نساخته بودند. آهنگ ملایم معرف فیلم، عملکرد بد نمایش را خیلی مودبانه می پوشاند و چقدر مسخره به نظر می رسد اظهار نظر، انسان دوستانه استاد لوپرنس رینگو که برای شنیدن و سنجیدن حالات روحی اش در مقابل رفتار خشن تروریست های فلسطینی که بهیچ چیز حتی مسابقات المپیک احترام نمی گذارند. دعوت شده بود. او عقاید غربی را در برابر خواسته صیونیستی خود قرار داد. تهیه کنندگان پس از آنکه اطلاعات زیادی از صیونیست ها بدست آوردند، متوجه شدند که در راس آنها می بایست مخالفت با مقاومت سرسختانه ی خلق فلسطین را قرار دهند.



در نتیجه رفت و آمد بین اروپا و خاور میانه به صورت کلاف سردرگمی از ضد سامی گرایی و ضد صیونیسیم پدید آمد. در بین صحنه های تاثر آور می بایست رنه مذورف بلژیکی یهودی الاصل را شاهد گرفت که به آشویتس فرستاده شد و یا آنکه برخورداردی که با یکر فنگر پیر هلندی بنام " پیه تک " که حالا بازنشسته است، پیش آمد. او بود که در سال ۱۹۴۱ اولین اعتصاب و اعتراض را علیه تبعیدیان یهودی توسط نازیها، در اروپا بنیانگذاری کرد. همچنین زوج لوگزامبورگی، خانواده بیرمن که مبارزان ضد فاشیست دیروز و ضد صیونیسیت امروز هستند، مدت زیادی از فیلم که به قسمت اروپایی آن مربوط می شود، صحبت را به مبارزان یهودی و غیر یهودی می دهد که از آن اعتقاد و ایمان طرفداران فلسطین نتایجی منطقی را از درگیریهای گذشته می نمایند. اما قسمت اصلی فیلم در خاور میانه متمرکز است، خصوصا در لبنان و اسرائیل. دو نفر از تهیه کنندگان توانستند به این کشورها بروند و مصاحبه هایی با فلسطینی ها و همچنین اسرائیلی های مراکشی الاصل بنمایند، در این مصاحبه ها معلوم شد که آنها نیز از تبعیضی که از طرف " اشک نازها Ashkenazes " که ۶۰٪ جمعیت یهود را شامل می شوند، رنج می برند.

در میان صحنه های قابل توجه، صحنه ورود دو زندانی به دادگاه رامی توان نام برد، یکی عرب و دیگری یهودی هر دو متهم به همکاری با شبکه ضد صیونیسیتی " حبه سرخ ". یا صحنه مصاحبه با رئیس دفتر اسرائیلی حقوق بشر به نام " اسرائیل شکاک " در تظاهراتی که مقابل کنست ( کنست ) وقوع می یافت ضمنا گزارشی در لبنان که متاسفانه اکنون بواسطه حوادث جدید از یاد برده شده است. این گزارش لحظات جالبی را عنوان می کند. مثلا ملاقات در یک بیمارستان، جائیکه ناقص العضوها و نجات یافتگان از دست کماندوها، اطمینان خود را از پیروزی نهایی ابراز می دارند و نوعی شرف از زندگی با وجود نقص عضوی که گاه تا پایان عمر خواهد بود ابراز می دارند. " ال یویه " با بیان معتقدات خدایی که گلوله ای به سینه اش اصابت کرده و چشمانش با پارچه بسته است، ولی بر خلاف این حال رقت بار اراده ای آهنین دارد. متاسفانه عامل تکنیک فیلم از قدرت چندانی برخوردار نیست کیفیت فیلم و خصوصا " برخی از کادراهای ( طول و عرض فیلم ) و نه تنها در زمینه های سیاسی به چشم می خورد، بلکه از لحاظ کاوش برای یافتن نوعی

زیبا شناسی انقلابی هم دارای معایبی است. بر خلاف بسیاری از فیلم ها، در این فیلم تعادلی بین مباحث تعلیمی و اصل موضوع وجود دارد. می توان در این روال، آغاز نوعی حقیقت بینی انقلابی را که مجددا " مساله ی قهرمانی مثبت را دوباره تازه می کند بجهت یافتن نوعی دید سیاسی که در زندگی روزمره ی زنده و با اعتبار ریشه دارد، مشاهده کرد. ما دیگر تحت تاثیر جلسات خشک و تصنعی نخواهیم ماند، بلکه احساس را در زندگی واقعی فلسطینی هایی که چون عروسک خیمه شب بازی ایدئولوژیکی، ظاهر نمی شوند، بلکه انسانهایی با گوشت و خون هستند و رزمندگان سیاسی روشن ضمیر و گاه با شور و شوق.

" اولیویه " با امکانات بسیار محدود تهیه شده و بدون شک یک نمونه کامل نمی باشد و برخلاف آنچه که تهیه کنندگان ابراز می دارند، نمی شود مطمئن بود که توده ی کثیری بتوانند از ورای مصاحبه ها چیزی درک کنند. در عین حال نکته جالب توجه اینست که در این فیلم ضمن اشاره به چگونگی سینمای انقلابی از مناظره های متمر شمری در باره مشروعیت مبارزات فلسطینی ها نیز برخوردار است.

۶- فیلم های مستند ضد اطلاعاتی:

به جز فیلم هایی که معرفی شد که تا حدی مثبت بنظر می رسند، حدود بیست فیلم کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت نیز وجود دارد که گاهی مفید هم هستند و عموما فیلم های مستند و ضد تبلیغاتی هستند:

فیلم " فتح - فلسطین " تهیه شده در سال ۱۹۷۱، در ایتالیا، تهیه کننده لویجی پیرولی.

فیلم های زیادی در آلمان فدرال، به همت ما نفرد و تس ( با همکاری دیگران ) تهیه شده از جمله فیلم میان مدت ۴۳ دقیقه ای " فلسطین " که در ۱۹۷۱ تهیه شد. و اولین جایزه فستیوال بغداد را در سال ۱۹۷۳ به دست آورد. همچنین فیلم ۵۰ دقیقه ای " سرزمین موعود " که بر اساس تناقض گویی های صهیونیسیم در سال ۱۹۷۳ تهیه شده و فیلم ۲۴ دقیقه ای " زیرا که او فلسطینی است " که سرکوبی های ضد عرب را بعد از بازیهای المپیک مونیخ در R. F. A بیان می کند.

در انگلستان، فیلم ۲۷ دقیقه ای، " تنها راه منطقی " را، تیم هوئن بوکن در سال ۱۹۷۲ تهیه کرد و فیلم کوتاه ۲۰ دقیقه ای " اورشلیم در خطر " را



" کابو" در همان سال تهیه نمود. موضوع فیلم اخیر از عنوان آن پیداست. در بلژیک، دو فیلم از مجموعه " زمان حال به عنوان تاریخ" با عناوین: " اما زمانی که گرسنه ام و فلسطین" و " جایزه صلح" فیلم دوم زمانی که این متن تهیه می‌شد، هنوز کاملا تمام نشده بود، اما آنچه که از کپی این فیلم می‌توان برداشت کرد اینست که، یکی از مدارک بسیار کامل بر روی شرایط فلسطینی هادر اسرائیل می‌باشد.

در دانمارک، فیلم میان مدت " فلسطین و دانمارک دو هم‌رزم" را " نیل وست" در ۱۹۷۳ تهیه کرد.

در فرانسه فیلم های زیر در زمینه فلسطین تهیه شده است: فیلم گزارش گونه " ژان برتولینو" و برونو موئل بنام " اردن در زمان فلسطینی ها" در سال ۱۹۶۹ تهیه شد.

روژه پیک در ۱۹۷۵، تحت تاثیر فیلم جنگ لبنان فیلم " پناهندگان فلسطینی در لبنان" را تهیه کرد.

ویدئوگرام های " ویدئو آوت Video out" فیلم هایی با این عناوین را به معرض نمایش گذارد. " این شهر را می‌سوزانم"، گزارشی از عمان بعد از سپتامبر ۱۹۷۰، " مونیک ۱۹۷۳ سپتامبر سیاه"، که عملیات کماندوهای فلسطینی را در بازیهای المپیک، آنطور که تلویزیون نشان داده بود، بیان میکرد و بالاخره " تدفین محمود همشهری" گزارشی بود بر مراسم تشیع جنازه نماینده O.I.P که در پاریس به دست مامورین مخفی اسرائیل به قتل رسید.

در هلند فیلم میان مدت ۵۴ دقیقه ای " هرگز نمی‌توانم فلسطین را فراموش کنم" را " ایکور تلویز" تهیه کرد، این فیلم گزارشی است از بچه های فلسطین. فیلم دیگری که مساله را بسیار مختصر و مفید بررسی کرده است، فیلم " فلسطینی ها" ساخته ژان ون در کوکن است - اظهار نظرهایی را که در باره این فیلم میان مدت ۴۵ دقیقه شده است، برت یوگن کامپ جمع آوری کرد.

ژوریس ایوان، در باره این فیلم نظرش را چنین ابراز نموده است: " این فیلم اسناد و مدارک سنتی را با کیفیتی و دیدی بسیار عالی و با فیلمبرداری بی نظیری نشان می‌دهد. پس از افشاء و مجسم نمودن صیونیسیم کجروبی که عکس-



العملش ضد صیونیسیم در اروپاست، نویسنده با بکار بردن اصطلاحات بسیار زنده و پر حرارت موقعیت فلسطینی ها را در لبنان قبل از جنگ ( صحنه جبهه تل ال زعتر ) قبل از آنکه در معرض حمله تهاجمی اسرائیلی ها قرار گیرند، مشخص می‌نماید. اگر برای خالق بزرگ این گزارش پر بار، که یکی دیگر از سینماگران مهم هلندی است شعری به عنوان یاد بود، بگوئیم، زیاد غلو نکرده ایم.